

المپیادی‌ها با 37.2 درصد، مشمولان بنیاد با 25.5 درصد و رتبه‌های یک تا هزار آزمون سراسری با 15.4 درصد بیشترین درصد افراد مقیم خارج را به خود اختصاص داده‌اند.

تازه‌ترین گزارش مجموعه رصدخانه مهاجرت ایران؛



المپیادی‌ها با 37.2 درصد، مشمولان بنیاد با 25.5 درصد و رتبه‌های یک تا هزار آزمون سراسری با 15.4 درصد بیشترین درصد افراد مقیم خارج را به خود اختصاص داده‌اند.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از شهروند، مجموعه رصدخانه مهاجرت ایران در یکی از آخرین و تازه‌ترین گزارش‌های منتشرشده در سالنامه مهاجرتی ایران در سال 1400 آورده است که تحلیل آمار دریافتی از اداره کل گذرنامه در بازه زمانی سال 1380 تا مرداد 1399 نشان می‌دهد که 56.6 درصد از «دارندگان مدال در المپیادهای دانش‌آموزی»، 69.1 درصد از «مشمولان بنیاد ملی نخبگان» و 78.3 درصد از افراد «حائز رتبه‌های یک تا هزار» آزمون سراسری در داخل کشور هستند.

در میان گروه‌های مورد بررسی به ترتیب المپیادی‌ها با 37.2 درصد، مشمولان بنیاد با 25.5 درصد و رتبه‌های یک تا هزار آزمون سراسری با 15.4 درصد بیشترین درصد افراد مقیم خارج را به خود اختصاص داده‌اند.

4.4 درصد از المپیادی‌ها، 3.7 درصد از مشمولان تحت پوشش بنیاد و 2.6 درصد از رتبه‌های برتر کنکور که بیشتر از کشور خارج شده بودند به ایران بازگشته‌اند.

این درصد آماری نشان می‌دهد دانش‌آموزان نخبه المپیادهای دانش‌آموزی بیشترین میزان مهاجرت علمی را دستکم طی یک دهه گذشته داشته‌اند که در اکثریت آنها این مهاجرت برای تحصیل به سکونت و زندگی در خارج از کشور منجر شده است.

غفور شیخی، جامعه‌شناس در توضیح عوامل مؤثر در تمایل به مهاجرت دانش‌آموزان و کاهش سن مقوله پرجالش «فرار مغزها» ساختار مقطع سیستم آموزشی را مقصر اصلی دلزده‌شدن دانش‌آموزان در دوران تحصیل می‌داند:

«محتوای درسی ما به شدت اطلاعات محور است. محتوای درسی مقطع و انبوهی از اطلاعات تئوریک در سال‌های تحصیلی به دانش‌آموز ارائه می‌شود که صرفاً دانش عمومی دانش‌آموز را بالا می‌برد و البته رنگ‌وبوی مذهبی هم در آن بیشتر است. این در حالی است که محتوای آموزشی نوین باید مهارت‌پرور می‌بود. به همین دلیل هم سیستم فعلی منجر به پرورش استعدادها نمی‌شود به علاوه رفته‌رفته اعتبار خود را در میان جامعه نخبگان از دست می‌دهد.

شیخی با اشاره به مافیاهای آموزشی و سودهای سیستم‌های غیرانتفاعی آموزش عالی و موسسات آمادگی کنکور به عنوان آفت‌های نظام آموزشی کشور می‌گوید:

مسلم است که مسیر غلط به مقصد غلط می‌رسد. به علاوه دانش‌بنیاد نبودن اغلب رشته‌های تحصیلی ما و نامتوازن بودن دانشگاه و صنعت از دیگر علت‌های دلزدیدن دانش‌آموز و دانشجو در داخل کشور است. وقتی سیستم نتواند نخبه‌پرور و استادپرور باشد، کاهش اعتبار دانشگاه‌ها و رنکینگ‌های داخلی و دستاوردهای علمی را شاهد خواهیم بود و همه اینها در افکار عمومی نمود پیدا می‌کند و از آن طرف تبلیغات گسترده برای جذب دانش‌آموز و دانشجو این بستر را هموارتر می‌کند. متأسفانه نگاه خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را با صرف هزینه‌های میلیاردی روانه روسیه و مالزی و ترکیه می‌کنند تا پزشک و دندان‌پزشک شوند و به ایران برگردند انتفاع مالی از مدرک تحصیلی است مثلاً می‌گویند 2 میلیارد خرجش کردم دو ساله باید

این پول را با کار کردن در ایران دریاورد. این نگاه انتفاعی مثل عفونت تمام جامعه را دربرمی گیرد و انسانیت و شرافت و ارزش های والای انسانی را کمرنگ می کند.

این جامعه شناس سرعت گرفتن سیر مهاجرت جوانان و نوجوانان را سست شدن و تزلزل هویت یک کشور توصیف می کند:

«دانشجو یا دانش آموز عرقی به وطن ندارد؛ متعهد به اخلاقیات و ارزش های ملی نیست که به راحتی مهاجرت را به ماندن ترجیح می دهد.»

او می گوید:

«مهم ترین اصل این است که مدیریت سیاسی با مدیریت علمی فرهنگی جایگزین شود. تجربه نشان داده مدیریت سیاسی قادر نیست این روال را تغییر دهد. وقتی مدیریت سیاسی می شود تمام راهکارها و پیشرفت ها هم سیاسی است. یکپارچه کردن و از بین بردن موانع سند علمی آموزشی کشور باید جدی گرفته شود و به صورت همگانی و یکپارچه این سیستم مرحله به مرحله اجرا شود و مثل حالا از این ارگان به آن دستگاه پاسکاری نشود.»

او ادامه می دهد:

«در حال حاضر بیش از چند صد میلیارد تومان صرف کتاب های کنکوری می شود که ذره ای در نتایج کنکور و آینده جوانان این مملکت تاثیر ندارد و در نهایت تا وقتی که جایگاه معلم و استاد دانشگاه و منزلت دانشجو را در وجوه اجتماعی و اقتصادی کشور بالا نبریم نمی توانیم انتظار داشته باشیم جوانان فرش قرمزی که پیش رویشان برای مهاجرت پهن می شود نادیده بگیرند.»

برچسب ها: [مهاجرت](#) [1]

[دانشگاه](#) [2]

[آموزش و پرورش](#) [3]